

11 دسامبر : گردهمایی بزرگ ایرانیان اروپا در برابر پارلمان اروپا - بروکسل



ملت ایران دیگر طاقت تحمل حکومت اسلامی را ندارد

خیزش آبانماه شبیه قیامی بود که در جریان گرانی قیمت بنزین، با شعارهای براندازانه نسل جوان شعله ور شد و نشن داد که مردم ایران خواهان سرنگونی نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی هستند.

مردم زیر بار ستم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمتها، کارد به استخوان شان رسیده به اعتراض برخاستند و به هنگام سرکوب جنبشگران رهبریم، از خود دفاع کردند. اکنون هزاران معترض در زندان اسیر هستند. آنها زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارند و خطر اعدام آنها را تهدید می کند.

ما صدای از ادیخواهانه مردمی هستیم که علیه حکومت اسلامی بپا خاستند و بر آنیم تا پیام آنها را به لگامی جامعه اروپا، پارلمان اروپا و جهانیان برسانیم.

در ایران ما، چهل سال نظام تبعیض، آپارتاید جنسی، غارت، استبداد، سرکوب، شکنجه و اعدام حاکم بوده و حکومت اسلامی بطور سیستماتیک مرتکب جنایت در ایران و منطقه شده است. ایرانیان حکومت اسلامی را دیگر تحمل نمی کنند و ما نیز خواست سیاسی مردم را خواست خود می دانیم و انتظارات مان را از اتحادیه اروپا، مردم اروپا و جهانیان به شرح زیر اعلام می داریم:

- 1-توقیف اموال مسئولین حکومتی، نمایندگان مجلس، نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و شبکه های مافیایی پیرامونی آنها
- 2-اعزام نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا و سازمان ملل برای دیدار با زندانیان و خانواده جانبختگان خیزش خودجوش مردمی آبانماه
- 3-حمایت از مبارزات ملت ایران برای رهائی از اسارت حکومت و دستیابی به حق حاکمیت بر سر نوشت خویش
- 4-حمایت از نهادهای و سازمانهای مدنی در جهت استقرار ارزش انسانی و حقوق بشر

ما با تاکید به شرایط حساس میهنمان و ضرورت تام همبستگی ملی، دموکراتیک و آزادیخواهانه مردم، کنشگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از نهادهای و فعالین سیاسی و مدنی دموکرات و ملی درخواست داریم که با حضور در همایش 11 دسامبر مقابل پارلمان اروپا، با مبارزات آزادیخواهانه مردم اعلام همبستگی کرده و در عین حال، صلاحیت سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی برای نمایندگی ملت ایران را بی اعتبار کنیم.

همانگی ایرانیان - اروپا
برای پشتیبانی از قیام مردم ایران

همبستگی مردم لبنان و غزه با خیزش اجتماعی در ایران

این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز "نه غزه، نه لبنان... جانم فدای ایران..." کجا

حماد شیبانی



این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق، پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران مکرراً شنیده و دیده میشود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی که هم‌رأی با مردم هستند، در رسانه ها بر پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می‌ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و جمهوری اسلامی ایران را تذکر می‌دهند. این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز: "نه غزه، نه لبنان... جانم فدای ایران..." کجا. روحیه ای در تضاد کامل با سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم، که باعث تفرقه و جدایی بین مردمان منطقه شده است.

روزنامه لبنانی "الانباء" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست پیشرو (طایفه دورزی - ولید جنبلات مخالف کنونی ائتلاف حاکم) نوشته ای را به نقل از روزنامه "ال مانیتور" درباره تأثیر تظاهرات مردم ایران در سیاست خارجی حکومت اسلامی در ایران منتشر کرد. نویسندگان این مقاله حمیدرضا عزیززی، استادیار مطالعات منطقه ای در دانشگاه شهید بهشتی و عضو شورای علمی پژوهشگاه اوراسیا و مطالعات ایران در تهران، است.

نویسنده در ابتدای مقاله خود از تصمیم تهران مبنی بر افزایش قیمت

بنزین، که موج اعتراضاتی قوی و تقریباً سراسری را در ایران برانگیخت، صحبت می‌کند. او ادعا می‌کند که اگرچه دولت ایران توانست جنبشهای مردمی را (جمع کند)، اما هم اکنون بحثهای زیادی درباره این جنبش همچنان مطرح است و بحثها موضوعاتی از قبیل علل بروز اعتراضات تا نتایج آن با توجه به تأثیر احتمالی در سیاست خارجی ایران را در بر می‌گیرد، به عنوان مثال، این که، دولت آمریکا معتقد است که آنچه در ایران رخ داده اثبات این مدعاست که کارزار فشار شدید دونالد ترامپ بخوبی کار می‌کند و مردم ایران را در برابر سیستم سیاسی حاکم قرار داده است.

نویسنده الانباء ادامه م‌دهد:

نمایند و ویتنام ایالات متحده در امور ایران "برایان هاوک" نیز ضمن ابراز خوشحالی کشورش از اعتراضات در ایران تأکید کرد که حداکثر فشار ادامه خواهد یافت. ترامپ و "مایک پومپئو" وزیر امور خارجه آمریکا نیز درباره این تظاهرات اظهار نظر کرده اند.

اتحادیه اروپا از دولت ایران خواسته است که "در برخورد با اعتراضات" حداکثر خویشتن داری را رعایت کند، در حالی که آلمان و فرانسه از اوضاع ایران بشدت ابراز نگرانی کرده اند. در پاسخ به این اظهارات، عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، تحادیه اروپا را به مداخله در امور داخلی ایران متهم کرد و تعهدات اروپا در توافق هسته ای (!؟) را به آنها یادآور شد.

نویسنده (حمیدرضا عزیزی) مدعی است "حمایت از تظاهرکنندگان این روایت حکومت اسلامی ایران را برجسته می‌کند که هدف واقعی ایالات متحده از طریق کمپین فشار این نیست که ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد بلکه انگیزه اش "تغییر رژیم" در ایران است، بنابراین هیچ شکلی از تعامل دیپلماتیک با آمریکا به ثمر نخواهد رسید. به قول حمید رضا عزیزی، ایران به اجرای سیاست "مقاومت (کذا) حداکثر" ادامه خواهد داد.

مقاله ادامه چنین می‌دهد که از سوی دیگر، احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان، اظهار داشت که فرانسه و آلمان، ایالات متحده را در مواضع مربوط به اعتراضات (مردمی) همراهی می‌کنند. به گفته آقای عزیزی، اعتراضات اخیر بر سیاست منطقه ای ایران نیز بازتاب خواهد داشت، بویژه به موازات ادامه اعتراضات در عراق و لبنان، جایی که ایران معتقد است برخی قدرتهای خارجی سعی در تضعیف ایران و متحدان منطقه

ای آن دارند.

حمید رضا عزیزی، در نوشتن خود به این نتیجه رسیده است که تظاهرات اخیر می تواند منجر به تحکیم روابط ایران با روسیه شود و گویی از زبان سخنگوی دولت اسلامی حاکم بر ایران، تهدیدها صادر می کند و می گوید شرایط کنونی مواضع ایران در قبال غرب و رقبای منطقه ای آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روابط آن را با شرکای فعلی خود تقویت خواهد کرد.

وقایع اخیر لبنان (تلاشهای دو سه روز گذشته) بسیجیهای امل و حزب الله که بارها در جای جای این کشور دست به آشوبهای جنون آمیز زده اند) و نیز جنبش مردمی در عراق - که دولت ایران در هر دو مورد حامی کاربرد خشونت‌های مرگبار علیه نیروهای انقلابی و معترضین خیابانی شده است - دخالت جمهوری اسلامی را در پیگیری سیاستهای آن مبتنی بر تشنج آفرینی و دخالت توسعه طلبانه، با اتکاء به روابطش با روسیه، آشکار می کند و چهره واقعی آنرا در جنگ نیابتی جاری در منطقه، میان طرفهای امپریالیستی و ارتجاعی و به زیان خلقهای مبارز و به جان آمدن خاورمیانه را، روشنتر می کند.

در برابر این مواضع دشمنانه، این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران شنیده و دیده می شود. بسیاری از تحلیلگران هم‌رای با مردم در رسانه ها به پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و رژیم جمهوری اسلامی در ایران را تذکر می دهند.

مسئولیت ما و این همه خبر!

حماد شیبانی

این روزها همزمان با اعتراضات گسترده مردم، فیلمهای متعددی در رابطه با آتش زدن و تخریب مراکز مختلف حکومتی و بانکها، پمپ بنزینها، فروشگاهها و حتی خودروهای شخصی مردم عادی، در سطح وسیعی منتشر شده است.



تاکنون هیچ گروه یا شخصی از میان شرکت کنندگان در درگیریهای اخیر ایران مسئولیت این وقایع را برعهده نگرفته است. تنها در یک مورد آنهم به دلیل حضور دزدان نیروهای امنیتی در پوشش اورژانس و با استفاده از یک یا چند آمبولانس برای دستگیر کردن معترضین بویژه زخمیها از سوی مردم شناسائی شده و به آتش کشیده شده است.

برعکس در مواردی دیده و گزارش شده که گروههایی پرشمار از عناصر کاملاً مجهز به وسایل تخریب با صورتهای پوشیده و لباسهای متحدالشکل و رزمی با اتومبیل یا سوار بر موتورهای همشکل، ناگهان در یک محل ظاهر می شوند و بصورت کماندوئی "عملیات تخریبی" انجام می دهند و ناپدید می شوند. رژیم و باندهای رسمی و غیررسمی آن (بسیج و پاسداران) و سازمانهای امنیتی دولتی در ایجاد اقدامات تشنج آفرین حتی در ایجاد آشوبهای خیابانی و نفوذ در تظاهرات اعتراضی مردم و شورشهای برحق آنان، ید طولائی دارد. دستگاه سرکوب در جلوگیری از تعمیق جنبشهای مدنی و مطالباتی و صنفی جامعه و راندن موج ستمدیدگان بسوی اقدامات کور به منظور تسهیل سرکوب و توجیه سیاستهای قهرآمیز خود مهارت دارد. دستگیریهای خشونتبار و اعدامهای گروهی (در چارچوب شوک درمانی و استفاده از تجربی مشترک هم جناحهای حکومتی، درج مطالب فرمایشی و تحریفی در رسانه های زرد داخلی و خارجی مشاطه گر) از مهارتهای دیگر این حکومت است.

امروزه خیابانهای شهرهای ایران آبستن خیزشها و اعتراضهای جدید است. انبوه میلیونی شهروندان اعم از کارگران، زنان، جوانان، خیل عظیم بیکاران، بازنشستگان، کشاورزان، دانشجویان، معلمان و استادان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، و سایر گروههای اجتماعی به شمول ملیتهای مختلف و باورمندان به مذاهب و اندیشه های غیرحکومتی، از زندگی تحت سلطی این حاکمیت به تنگ آمده اند. مردم ایران همچنان در مقابل چرخه خشونت حکومتی مقاومت می کنند و شرایط سریعتر از گذشته به موقعیت انقلاب ناگزیر نزدیک می شود.

حکومت نیز غرق در فساد و ناکارائی، ناتوان از ادامی اقتدار جهنمی

و دستخوش بحرانهای بنیادی، به بن بست رسیده است.

حکومت اسلامی یگانه خالق آشوب در کشور ما و نیز در منطقه است، این حکومت در پادگانها و پایگاههای نظامی و شبه نظامی، مزدوران وابسته به خود و نیروهای خارجی مثل حزب الله و حشد شعبی، فاطمیون پاکستان و حوثیهای یمن، شیعیان ولایت عربستان سعودی و بحرین، و حتی گروههای سنی شبه القاعده و طالبان، و افراط گرایان کشورهای آفریقایی را زیر نظر کارشناسان حرفه ای که در خدمت دارد، آموزش می دهد و از آنها برای نفوذ در "شورشها" و ایجاد بلوا و سرکوب خشن استفاده می کند.

شواهد قانع کننده و غیرقابل انکاری وجود دارد که می تواند در هر دادگاه مستقل رسمی و مردمی، بویژه در سطح بین المللی ارائه شود. گروههای مخالف رژیم ایران باید فکر برپائی کمپینهای محلی و بین المللی و تلاش برای تشکیل نهادهای مستقل کشف حقیقت باشند، به ویژه که رژیم از طریق مراجع قضایی و امنیتی خود به دروغ ادعا می کند که در جریان اعتراضات کسانی را به هنگام آتش زدن مراکز دولتی و در حین انجام "عملیات تخریبی" و ارتکاب "جرم" همراه با ابزارهای لازم، دستگیر کرده است و به زودی به مجازات سخت خواهد رساند. یک مقام قضایی هم ادعا کرده است که آنها به جرم خود "اعتراف کرده اند".

درست در چنین شرایطی است که دیدبانی هشیارانه و مسئولانه با رویدادهای مردمی و نقشه های حاکمیت ضرورت دارد. مبارزه با نشر اخبار جعلی (فیک نیوز) و خبرسازیهایی حتی در قالب ظاهری دفاع کلی از جنبش بویژه در رسانه های اپوزیسیون حکومت (با هر درجه از خلوص که باشد) وظیفه ای خطیر است.

توجه به نمونه ترکیب و جمله بندیهای متناقض یکی از نشریات اینترنتی اپوزیسیون به نام "به پیش"، ارگان "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" شاید درس آموز باشد.

به جملات زیر، در گزارشی با عنوان "جنگ خیابانی، تجربه جدید مردم" توجه کنید: (<https://bepish.org/node/2807>):

»

.....
.....

نسبت دادن آن به مردم وجود دارد. اکنون این راز توسط برخی از ارگانهای دولتی و در جریان تصفیه حسابهای جناحی خود برملا شده است. (*) این رازها همچنین براساس اعترافات برخی از دست اندرکاران سابق که یا خود حکومت را ترک کرده اند و یا به دلایل مختلف از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند، روشن شده است، شهادتهایی که در دفاتر نهادهای مختلف حقوق بشری و دادگاههای رسیدگی به اعمال جمهوری اسلامی ثبت شده است.

اما اگر مثلاً فرض کنیم شخصی عصبانی یا کسی از بین مردم از این نوع اعمال خودجوش انگیزه می گیرد، فکر می کنم که سؤال از این طریق و توجیه اخلاقی برای فقدان "شواهد" عینی، و بخصوص وقتی که قاتلان مردم در مقام قوّه قضائیه دست اندر کار بازتولید مدارکی برای توجیه جنایات خود هستند، (هیجانی شدن) و دامن زدن به (فیک نیوز)، نه فقط به نفع جنبش نیست، بلکه سخت علیه آن است. مسئولیت اداره کنندگان یک نشریه اپوزیسیون وقتی گزارش وقایع را می خوانند و تحلیل ارائه می دهند و بر اساس این "گزارشات" و "شاهدعینی"ها و "شهروند خبرنگار"ها و "ارتباط ویژه"ها، رهنمود می دهند کجا رفته است.

درست است که ما تبعیدیان و مهاجران، به خاطر آنچه در خانه اتفاق می افتد حالتی نگران و عصبی داریم، اما، تجربه و دانشمان کجاست؟

من که این کلمات را می نویسم □□ می گویم بله، انبوه مردم ما، کسانی که سفره های خالی خود را در خیابانهای کرج، مریوان، تهران، شیراز، آذربایجان، لرستان، کردستان و خوزستان به عنوان یک اقدام اعتراضی پهن می کنند، چندین دهه است که می دانند و هر روز با گوشت و پوست خود لمس می کنند که چگونه رژیم اقتدارگرای اسلامی نمایند □ منافع تعداد محدودی از باندهای غارتگر جامعه است. آنها شنیده اند و درک می کنند که بیش از هفتاد درصد از سپرده های بانکی متعلق به تنها یک درصد از جامعه است، گردش نقدینه و پول انحصاراً در اختیار بخش ناچیزی از افراد جامعه قرار دارد. شرکتهای مضاربه ای و رباخواری اسلامی، خانه خرابشان کرده و به ورطه □ "مال باختگی" پرتابشان کرده است. آنها می دانند که این همه معنای ساده ای دارد. وحشیگری کامل و خشونت سازمان یافت □ حکومت اسلامی مدافع سرمایه داری.

امروز همه به این نتیجه رسیده اند که برای رهائی از این بردگی، باید این نظام ناپدید شود. البته مردم ستم دیده اما آگاه، وقتی

مطالب حقوق خود می کنند و برای باز پس گرفتنش بپا می خیزند عزم آن دارند که رژیم را سرنگون کنند. چهل سال است در برابر سرکوب، هم التماس می کنند و هم مقاومت. اما نه التماسشان بجائی می رسد و نه مقاومتشان با دستهای خالی ثمری می دهد. پس حتی اگر مردم روزی - که بدلیل رفتار این رژیم - دیر نیست، خود را سازماندهی کنند و به دفاع مسلحانه برخیزند، بدون شک حق دارند که بخواهند دستگاه سرکوب را درهم بشکنند.

حکومت اسلامی ایران، هم در بازار کار و هم در بازارهای مالی و اینروزها بیش از پیش در خیابانهای زندان بزرگی بنام ایران، مردمان را بگونه ای وحشیانه اسیر تحریم خارجی از یکسو و از دیگرسو زیر سرنیزه و سلطه نظامی که بنام دولت، قانون جنگل جاری کرده و بشکل انحصاری، قوه قهریه را قبضه کرده است قرار دارد. مردم این کشور غارت شده که زنجیر ارتجاع، استعمار و استبداد و استثمار، بر دست و پایش بسته شده است، حق رهائی دارند و تحقق این حق جز با برهم زدن این معادله نا عادلانه به دست نخواهد آمد.

بله، این یک جنگ طبقاتی است. انقلاب است

و "وای برملتگی که انقلابی را شروع کند و آنرا به پایان نرساند".

(*)

مهدی محمودیان، روزنامه نگار در تویتر خود به نقل از یک شاهد عینی نوشت: "یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند."

[mehdi mahmoudian](https://www.instagram.com/mehdi_mahmoudian)

[MahmoudianMe](https://www.instagram.com/MahmoudianMe)

یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند.

او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است.
امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و
شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند

[۷'۸۱۴](#)

[۱۱:۴۵ - ۵ آذر ۱۳۹۸](#)

همبستگی با خیزش توده‌ای در ایران !



اطلاعیه‌ی سندیکاهای کارگران و معلمان فرانسوی
در همبستگی با جنبش آبان 98 در ایران

ده‌ها هزار ایرانی از روز ۱۵ نوامبر به خیابان‌ها آمده‌اند. آن‌ها، پس از افزایش سیصد درصدی بهای بنزین توسط رژیم، علیه آن تظاهرات کردند. این افزایش با خود گرانی شدید تمام قیمت‌ها را به

همراه خواهد داشت. در طی سال گذشته ارزش پول ایران را چندین بار کاهش داده اند. قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است.

از تاریخ ۱۶ نوامبر مردم ایران به واسطه قطع دسترسی به اینترنت از جهان منزوی شده اند. بهمین خاطر اطلاعات در دسترس از ایران بسیار محدود شده اند. رژیم تهران بدین وسیله می کوشد تا دامنه اعتراضاتی را که در کشور می جوشد، پنهان کنند.

بنا به گزارش "عفو بین الملل"، سرکوب بی امان رژیم علیه تظاهرکنندگان، در بیش از ۲۰ شهر تعداد ۱۴۳ نفر کشته برجا گذاشته، ۴۰ نفر در استان خوزستان (اکثریت عرب نشین)، ۳۴ نفر در استان کرمانشاه (اکثریت کرد نشین)، و ۲۰ نفر در استان تهران.

بیشتر قربانیان جوانان زن و مرد کارگر هستند. بسیاری از این قربانیان با گلوله نیروهای انتظامی از ناحیه سر یا قفسه سینه مورد اصابت واقع شدند. هزاران تن دستگیر شده اند. این ارقام به سرعت افزایش می یابند.

حکومت در برابر خواسته های به حق اقتصادی و سیاسی مطرح شده چنگ و دندان نشان می دهد. حکومت تهدید به در خون خفه کردن این خیزش کرده است. جنبش اعتراضی زنان علیه حجاب هم سرکوب شد.

امروزه بیش از گذشته، زمان همبستگی با مبارزاتی است که از سال ها پیش در ایران جریان دارند :

- علیه زندگی گران ، بیکاری و فساد
- برای آزادی بیان و تشکل
- برای حقوق زنان، از جمله لغو پوشش اجباری اسلامی
- برای لغو حکم اعدام (که امروز برای مخالفان سیاسی و همجنسگرایان اعمال می شود)
- برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی
- برای آزادی تشکیلات مستقل اتحادیه ای و آزادی فعالان کارگری زندانی.

پاریس ۲۶ نوامبر ۲۰۱۹

سندیکاهای فرانسوی عضو کلکتیو حمایت از کارگران ایران :

ت	د	اف	CGT	س ژ ت
				س
				CFDT
			FSU	اف اس او
			SOLIDAIRES	سولیدر
			UNSA	اونسا

اطلاعیہ بہ زبان فرانسه



همبستگی بین المللی با مردم مبارز ایران

International trade union network of solidarity and struggle
Réseau syndical international de solidarité et de luttes
Rede Sindical Internacional de solidariedade e de lutas
Red sindical internacional de solidaridad y de luchas
Rete sindacale internazionale di solidarietà e di lotta
 الشبكة النقابية العالمية للتضامن والنضال
www.laboursolidarity.org



یک بار دیگر رژیم ایران مردم این کشور را که برای آزادی و عدالت
گرد هم آمده، تظاهرات و مبارزه می کنند، به طرز وحشیانه ای

سرکوب می کند افزایش ۳۰۰٪ قیمت بنزین و پیامدهای این افزایش روی قیمت سایر تولیدات، عامل این اعتراضات بوده است بدین خاطر است که از ۱۵ نوامبر ایرانیان زن و مرد به خیابان ها ریخته اند.

این جنبش علیه تشدید فقر و برای آزادی در ادامه همان جنبش زنان و مردان مبارزی است که در طی سال ها، برای سندیکالیزم در ایران مبارزه می کنند، که دفاع از زنان و مردان کارگر را سازمان می دهند. کسانی که با اخراج شدن از کار، با مورد ایزاء و آزار واقع شدن، با دستگیر شدن، با شکنجه شدن و حتی با جان باختن دائمی بهایش را هم می پردازند جنبش اخیر هم چنین در تداوم جنبش زنان در ماه مه ۲۰۱۷ هم است.

از همان شروع جنبش مردمی حکومت تلاش کرد تا ارتباط ایرانیان با دنیا را قطع کند رژیم می خواهد مانع همبستگی بین المللی شود و سرکوب خونین را از انظار دنیا مخفی نگهدارد؛ بیش از صد کشته در بیست شهر؛ مجروحین بسیار در اصابت گلوله نیروهای به اصطلاح «امنیتی» با توجه به قطع اینترنت توسط حکومت پوشش خبری بسیار ناقص است.

سازمان های عضو « شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه » حمایت خود را از جنبش مردم ایران، و از سندیکاهایی که سال ها مبارزه می کنند، اعلام می دارد.

اعتراضات زنان و مردان در ایران برای:

- مبارزه علیه گرانی معیشت و بیکاری،
- افشای فساد مالی،
- حق خودسازماندهی مستقل و ایجاد سندیکا،
- دفاع از حقوق زنان، از جمله لغو حجاب اجباری،
- آزادی کلیه زندانیان سیاسی از جمله فعالان سندیکائی،
- لغو مجازات اعدام (معمول عمدتاً در موارد دگرباشان و مخالفین سیاسی رژیم)

همه اعضای « شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه » در کشورهای خود وضعیت مردم ایران را به اطلاع عموم می رسانند : برای مبارزه علیه سانسور دولت ایران، و برای همبستگی مبرم بین المللی.

Les organisations membres du Réseau syndical international de solidarité et de lutte

Organisations syndicales nationales interprofessionnelles

Central Sindical e Popular Conlutas (**CSP-Conlutas**) – •
Brésil

Confederación General del Trabajo (**CGT**) – Etat •
espagnol

Union syndicale Solidaires (**Solidaires**) – France •

Confédération Générale du Travail du Burkina (**CGT-B**) – •
Burkina

Confederation of Indonesia People's Movement (**KPRI**) – •
Indonésie

Confederación Intersindical (**Intersindical**) – Etat •
espagnol

Confédération Générale Autonome des Travailleurs en •
Algérie (**CGATA**) – Algérie

Batay Ouvriye – Haïti •

Unione Sindacale Italiana (**USI**) – Italie •

**Confédération Nationale des Travailleurs – Solidarité •
Ouvrière (CNT SO) – France**

Sindicato de Comisiones de Base (**CO BAS**) – Etat •
espagnol

Organisation Générale Indépendante des Travailleurs et •
Travailleuses d'Haïti (**OGTHI**) – Haïti

Sindacato Intercategoriale Cobas (**SI COBAS**) – Italie •

Confédération Nationale du Travail (CNT-f) – France •

**Intersindical Alternativa de Catalunya (IAC) – •
Catalogne**

Union Générale des Travailleurs Sahraouis (**UGTSARIO**) – •
Sahara occidental

Ezker Sindikalaren Konbergentzia (**ESK**) – Pays basque •

Confédération Nationale de Travailleurs du Sénégal •

Forces du Changement (**CNTS/FC**) – Sénégal

Sindacato Autorganizzato Lavorator COBAS (**SIAL-COBAS**) ▪
– Italie
General Federation of Independent Unions (**GFIU**) – ▪
Palestine
Confederación de la Clase Trabajadora (**CCT**) – Paraguay ▪
Red Solidaria de Trabajadores – Pérou ▪
Union Syndicale Progressiste des Travailleurs du Niger ▪
(**USPT**) – Niger
Union Nationale des Syndicats Autonomes du Sénégal ▪
(**UNSAS**) – Sénégal
Unión Nacional para la Defensa de la Clase Trabajadora ▪
(**UNT**) – El Salvador
Solidaridad Obrera (**SO**) – Etat espagnol ▪
Confederazione Unitaria di Base (**CUB**) – Italie ▪
[Independent Workers Union of Great Britain](#) (**IWGB**) – ▪
Grande-Bretagne
Ogólnopolski Związek Zawodowy Inicjatywa Pracownicza ▪
(**OZZ IP**) – Pologne
Centrale Démocratique des Travailleurs de Martinique ▪
(**CDMT**) – Martinique
[Associazione Diritti Lavoratori](#) Cobas (**ADL COBAS**) – ▪
Italie

Organisations syndicales nationales professionnelles

National Union of Rail, Maritime and Transport Workers ▪
(**RMT/TUC**) – Grande-Bretagne
Centrale Nationale des Employés – Confédération ▪
Syndicale Chrétienne (**CNE/CSC**) – Belgique
Sindacato Nacional de Trabajadores del Sistema ▪
Agroalimentario (**SINALTRAINAL/CUT**) – Colombie
Trade Union in Ethnodata – Trade Union of Employees in ▪
the Outsourcing Companies in the financial sector –
Grèce
Syndicat national des travailleurs des services de la ▪
santé humaine (**SYNTRASEH**) – Bénin
Sindicat dos Trabalhadores da Fiocruz (**ASFOC-SN**) – ▪

Brésil

Organizzazione Sindacati Autonomi e di Base Ferrovie ▪
(**ORSA Ferrovie**) – Italie

Union Nationale des Normaliens d'Haïti (**UNNOH**) – Haïti ▪

Confederazione Unitaria di Base Scuola Università ▪
Ricerca (**CUB SUR**) – Italie

Coordinamento Autorganizzato Trasporti (**CAT**) – Italie ▪
Syndicat des travailleurs du rail – Centrale ▪

Démocratique des Travailleurs du Mali (**SYTRAIL/CDTM**) –
Mali

Gıda Sanayii İşçileri Sendikası – Devrimci İşçi ▪

Sendikaları Konfederasyonu (**GIDA-IŞ/DISK**) – Turquie

Syndicat National des Travailleurs du Petit Train ▪
Bleu/SA (**SNTPTB**) – Sénégal

Asociación Nacional de Funcionarios Administrativos de ▪
la Caja de Seguro Social (**ANFACSS**) – Panama

Palestinian Postal Service Workers Union (**PPSWU**) – ▪
Palestine

Union Syndicale Etudiante (**USE**) – Belgique ▪

Sindicato dos Trabalhadores de Call Center (**STCC**) – ▪
Portugal

Sindicato Unitario de Trabajadores Petroleros ▪
(**Sinutapetrolgas**) – Venezuela

Alianza de Trabajadores de la Salud y Empleados ▪
Publicos – Mexique

Canadian Union of Postal Workers / Syndicat des ▪
travailleurs et travailleuses des postes (**CUPW-STTP**) –
Canada

Syndicat Autonome des Postiers (**SAP**) – Suisse ▪

Federación nacional de trabajadores de la educación ▪
(**SUTE-Chili**) – Chili

Plateforme Nationale des organisations ▪

professionnelles du secteur public – Côte d'Ivoire

Fédération nationale des ouvriers et collectivités ▪
locales – Union Marocaine du Travail (**UMT-**

Collectivités locales) – Maroc

Centrale Générale des Services Publics FGTB, Cheminots ▪
(**CGSP/FGTB Cheminots**) – Belgique
Botswana Public Employees Union (**BOPEU**) – Botswana ▪
Organisation Démocratique du Travail – Organisation ▪
Démocratique du Travail (**ODR/ODT**) – Maroc
Federacao Nacional dos Ttrabalhadores em Transportes ▪
Aéros do Brasil (**FNTTA**) – Brésil
[Federação Nacional dos Metroviários](#) (**FENAMETRO**) – ▪
Brésil
Namibia Football Players Union (**NAFPU**) – Namibie ▪
Palestinian Electricians' Trade Union (**PETU**) – ▪
Palestine
Missão Publica Organizada – Portugal ▪

Organisations syndicales internationales

Industrial Workers of the World – International ▪
(Solidarity Commission (**IWW**

Courants, tendances ou réseaux syndicaux

Transnationals Information Exchange Germany (**TIE ▪
Germany**) – Allemagne
Emancipation tendance intersyndicale (**Emancipation**) – ▪
France
Globalization Monitor (**GM**) – Hong Kong ▪
Courant Syndicaliste Révolutionnaire (**CSR**) – France ▪
Fronte di lotta No Austerità – Italie ▪
Solidarité Socialiste avec les Travailleurs en Iran ▪
(**SSTI**) – France
Basis Initiative Solidarität (**BASO**) – Allemagne ▪
LabourNet Germany – Allemagne ▪
Resistenza Operaia – operai Fiat-Irisbus – Italie ▪
Workers Solidarity Action Network (WSAN) – Etats-Unis ▪
United Voices of the World (UVW) – Grande-Bretagne ▪
Unidos pra Lutar – Brésil ▪
Corriente Político Social Sindical 1° de Mayo de Buenos ▪
Aires – Argentine

Coordinamento Nazionale Unitario Pensionati di oggi e di domani (CONUP) – Italie
National Association of Human Rights Defenders – Palestine
Red de Trabajadores – Argentine

به سرکوب مردم معترض پایان دهید!

کانون نویسندگان ایران

برآمدن دوره‌ای اعتراض‌های گسترده در ایران گواه حل نشدن مسایل و مصایب مزمونی است که گریبان جامعه را در چنگ گرفته است. هر بار که صاحبان قدرت با استفاده از قوهی قهریه اعتراض‌ها را پس زده‌اند، زمانی دیگر، با توان، سرعت و خشم بیشتر سر برآورده است؛ چنان‌که دور تازه‌ی اعتراض مردم که از ۲۴ آبان آغاز شده، به سرعت گسترش یافت و دامنه‌اش در کمتر از ۲۴ ساعت به ده‌ها شهر کوچک و بزرگ رسید.



با اعلام ضربتی افزایش چند برابری قیمت بنزین، مردم به جان آمده از فقر و تبعیض و سرکوب، همان‌ها که به اقرار دست‌اندرکاران دولت، توان تامین معاش خانواده را ندارند و نزدیک به ۸۰ درصدند، صدای اعتراض خود را بلند کردند؛ آنها که کوچکی سفره‌شان، جای دستبرد دیگر نداشت، رنج تلنبار شده در دل و جان‌شان را به خیابان بردند مگر گوش شنوایی بیابند؛ اما این بار نیز با ضرب و جرح و بازداشت و گلوله پاسخ گرفتند.

همان‌طور که در چهار دهه گذشته هرگاه کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و نویسندگان و فعالان مدنی و سیاسی مستقل برای بیان

مطالبات خود، حتی مطالبات جزئی صنفی، ناگزیر دست به اعتراض زدند یا تشکلی ایجاد کردند، با انگه‌هایی چون «اخلالگر»، «وابسته به بیگانه»، «مخل امنیت ملی» و با یورش ماموران امنیتی و انتظامی و زندان مواجه شدند.

هم‌اکنون پرونده‌های امنیتی که برای فعالان عرصه‌های گوناگون ساخته شده، از شمار خارج است. نتیجه‌ی این واکنش‌ها خفه کردن صدای مردم بوده است. تحمیل سکوت در شرایطی که هر دم بر رنج مردم افزوده می‌شود، فوران خشم و برخاستن فریاد اعتراض را به دنبال دارد و این همان اتفاقی است که اکنون در حال روی دادن است.

اعتراض به هر اجحاف و ستم، بخشی از آزادی بیان و حق مردم است؛ مقابله با آن با دستبند و باتوم و گلوله، گرچه روال معمول حاکمیت در چند دهه‌ی اخیر بوده است، این‌بار شدتی بیشتر یافته طوری که فقط در پنج روز نخست صدها کشته و هزاران زخمی و بازداشتی بر جا گذاشته است.

قطع سراسری اینترنت و محروم کردن مردم ایران و جهان از دسترسی به اخبار رویدادها، شگردی دیگر برای سرکوب اعتراض‌ها دور از چشم جهانیان و شکلی دیگر از سانسور است. طرفه آنکه در همین وضع، مقامات پشت تریبون‌ها از حق قانونی مردم برای اعتراض داد سخن می‌دهند! با تبدیل کردن خیابان‌های شهرها به میدان جنگ و با استفاده از خشونت و بگیر و ببند و قطع اینترنت شاید بتوان آتش مطالبات مردم را زیر خاکستر برد، اما قطعاً نمی‌توان آن را خاموش کرد.

کانون نویسندگان ایران مقابله‌ی خشونت‌بار با آزادی بیان مردم را محکوم می‌کند و خواهان رهایی همه‌ی بازداشت‌شدگان اعتراض‌های اخیر است و هشدار می‌دهد: حاکمان به جای تحقیر، تهدید و سرکوب معترضان که جز فریاد سلاحی ندارند، به حق آزادی بیان آنها تمکین کنند، نیروهای امنیتی و انتظامی را با آلات و ادوات سرکوب‌گریشان از خیابان‌ها جمع کنند و به مردم فرصت اعتراض و بیان خواسته‌هایشان را بدهند.

کانون نویسندگان ایران

۲۹ آبان ۱۳۹۸

تظاهرات در پاریس در همبستگی با خیزش مردمی در ایران شنبه 23 نوامبر ساعت 15 میدان سن میشل

فراخوان مشترک تعدادی از سازمان‌های شرکت کننده به
زبان فرانسه

Rassemblement du soutien aux lutes des iraniens contre la République Islamique

En Iran, face aux durcissements des situations de la vie journalière, et à la suite d'augmentation du prix de carburants et les escalades de la répression, la population contestataire manifeste depuis plusieurs jours dans les rues de plus de 100 villes dont la capitale Téhéran, Shiraz, Ispahan et autres grandes villes.

Khamenei, le « guide » du régime a traité les manifestants « les rebelles » et avec tous les autres dirigeants ensemble, ils ont donné l'ordre de la répression farouche. Le régime a coupé les connections d'internet et empêche ainsi la diffusion de l'information en rendant la communication difficile.

Les nouvelles d'Iran sont très alarmantes et les agences de presse parlent de plus de centaines tués, des milliers blessés et l'arrestation de plus de mille manifestants. Les gardiens de révolution, les forces militaires et les milices nommées « Bassidjis » tirent avec les balles réelles sur les

manifestant.

Pour que le massacre s'arrête immédiatement, notre solidarité doit être forte. Nous devons faire l'écho des cris de colère et de résistance des iraniens sous la répression sauvage du régime islamique et soutenir pleinement leur mouvement juste.

Pour soutenir le mouvement de contestation des iraniens, pour condamner les nouvelles vagues de l'emprisonnement, les attaques des forces de la « sécurité » et la répression exercée par les agents militaires et sécuritaire du régime, participons tous au rassemblement du soutien au peuple d'Iran.

Le Samedi 23 novembre 2019, à partir du 15H

Place Saint-Michel, Paris

Association de Défense des prisonniers politiques et d'opinions en Iran- Paris

Solidarité Socialistes avec les travailleurs en Iran, SSTI

Alliance international du soutien aux travailleurs en Iran

Association des kurdes résident en France-Paris

از شورش مردمان ایران علیه رژیم خودکامه پشتیبانی کنیم!

رژیم جمهوری اسلامی، به یکباره و بدون آگاهی قبلی، در شامگاه 24 آبان، افزایش سه برابری قیمت بنزین را اعلام کرد. این مصوبه در شرایطی به اجرا در می آید که نرخ تورم رسمی از مرز 43 % فراتر رفته و حقوق کارگران و کارکنان کفاف یک چهارم هزینه یک خانوار را هم نمی‌کند. بیش از 70 % بازنشستگان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بنا به آمار منتشره، تنها در دو سال گذشته توان خرید اقشار و طبقات پائین جامعه با کاهش بیش از 70 % رو به رو بوده است. مردم می‌دانند که افزایش 300 % قیمت بنزین به عنوان عمده ترین عامل انرژی حمل و نقل، پیامدی جز گرانی، تورم، بیکاری و سقوط هر چه بیشتر قدرت خریدشان را ندارد. همچنین سرانجامی جز افت حجم تولید و عمیق تر شدن رکود اقتصادی همراه با ورشکستگی ساختارهای تولیدی به بار نمی آورد.



گرچه روحانی همصدا با خامنه ای و دیگر سران نظام جمهوری اسلامی فریبکارانه، این دستبرد بی شرمانه به معیشت مردم را اقدامی در جهت بهبود اوضاع فلاکت بار اکثریت جامعه عرضه می کنند. حافظه همگانی هنوز پوچی وعده‌های آب و برق رایگان، تقسیم پول نفت و آخرین وعده بسته حمایتی روحانی در استان کرمان را از یاد نبرده اند.

پس از 40 سال تجربه زندگی در رژیم تمامیت خواه مذهبی، برای مردمان ایران پوشیده نیست که این دستبرد به سفره و جیب خالی مردم، ترفند گستاخانه دیگری برای تامین کسر بودجه ناشی از ناکارائی، فساد حاکم بر اقتصاد کشور و نیز تضمینی برای ادامه توسعه طلبی پر هزینه و تنش آفرین در منطقه و جهان است. و این در حالی است که امروز بیش از پیش دزدی ها و اختلاس های نجومی افسار گسیخته بی کم و کاست ادامه دارند. تنها مزد بگیران و تهی دستان شهر و روستا هستند که مجبورند مثل همیشه بار سنگین تصمیم های ویرانگر رژیم را به دوش کشند.

اعلام مصوبه افزایش 300 % (لیتری سه هزار تومان) قیمت بنزین جرقه

ای شد بر خرمن نارضائی ها و سرخوردگی های تل انبار شده مردم که دیگر توش و توانی برایشان باقی نمانده و راهی جز برآشتن علیه این بی‌عدالتی‌ها را ندارند.

چندین روز است که خیابان‌های شهرهای کوچک و بزرگ سراسر کشور شاهد موج اعتراض های مردمی شده و همچنان ادامه دارند. این اعتراضات که در آغاز با مخالفت به افزایش قیمت بنزین آغاز شد، دیری نپائید که کلیت رژیم و خامنه ای و روحانی در تیررس انزجار و خشم توده ها قرار گرفتند.

موج تظاهرات اعتراضی گسترده مردمی روز های گذشته که در بیش از صد شهر کشور برگزار شد و معترضین خواهان گرفتن حقوق پایمال شده خود شدند مانند گذشته با یورش مزدوران نهادهای سرکوب رو در رو گردید. حکومت به جای پاسخ به مطالبات دموکراتیک و به حق مردم، صفوف اعتراض های به حق و مسالمت آمیز را با حملات وحشیانه نیروهای پلیسی، امنیتی و یگان های ضد شورش به خشونت کشید. بنا به گزارش رسانه ها، طی این درگیری های خونین، بیش از 40 نفر جان باخته اند و صدها نفر زخمی و تعداد زیادی دستگیر شده‌اند. در برخی از مناطق کشور رژیم با اعلام شرایط اضطراری، به نوعی حکومت نظامی برقرار کرده و با قطع خطوط ارتباطی اینترنتی، مذبوحانه تلاش دارد از پیوند و گسترش اعتراضات جلوگیری کند و مانع رسیدن اخبار خواست های به حق مردم به گوش جهانیان شود. خامنه ای و سران سلطه فاشیستی مذهبی، معترضین را طبق آداب و رسوم همیشگی خود، با تهمت های " تخریب " و " ناامنی " به " ضد انقلاب و دشمنان ایران " نسبت داده و ارگان های سرکوب قضائی و اطلاعات " برخورد با اشرار را وظیفه " خود اعلام کرده‌اند.

▪ جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران با پشیبانی قاطع از خواست های دموکراتیک و به حق خیزش های مردمی، دستگیری، سرکوب و کشتار مردم را به شدت محکوم می کند و اعتراض، نافرمانی مدنی، شورش و قیام در برابر خودکامگان سرکوبگر نظام جمهوری اسلامی را حق مسلم و غیر قابل انکار مردمان ایران می‌داند.

▪ جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران برون رفت از نابسامانی، فقر، بیکاری، جنگ و سرکوب را در گرو براندازی رژیم و برچیدن نظام جمهوری اسلامی از طریق استقرار جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ساختاری غیر متمرکز/فدرالی، برپایه منشور جهانی حقوق بشر می‌داند.

▪ جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به منظور همصدائی و همگامی برای تعمیق همبستگی با مبارزات مردمان ایران و برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، نیروهای مترقی در سراسر جهان را فرا می خواند که برای پشتیبانی از خواست های به حق جنبش اعتراضی بپاخیزند. اپوزیسیون مترقی باید در کارزارهای خود با افشای جنایت های جمهوری اسلامی و بسیج افکار عمومی جهان و جلب پشتیبانی جامعه جهانی و احزاب آزادی خواه و نیروهای بشر دوست فشارهای لازم برای تحقق خواست های مردم را فراهم کند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سرنگون باد جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

28 آبان 1397 / 18 نوامبر 2019